

داستان همانستی سرخوشی و هراس، در معماری بانویی که هیچ گاه دلسر دکننده نبود

برای زها، سنت «اکنون» بود...



بهرام هوشدار نویسنده

بیروت پرداخت و بعد از فارغ التحصیلی در حالی که ۲۱ سال بیشتر نداشت راهی لندن شد. روزهایی که کمتر دختری از عراق در لندن درس می خواند، آن هم معماری. اما تیزهوشی خانوادگی نوه حاج حسین را به هنرآموزی شاخص در مدرسه معماری انجمن معماری لندن و بعدها متروپلیتن تبدیل کرد و البته آشنایی او با استاد جوان هلندی که هیچ یک نمی دانستند در سال هایی نه چندان دور قرار است رقیب یکدیگر باشند؛ رم کولهاس مدرس جوان و معماری جویای نام بود و زها البته دانشجوی سوگلیش. نیجل کوتس که هم اکنون استاد معماری آکادمی هنرهای زیبای لندن است، همزمان با زها دانشجوی رم کولهاس بود. او می گوید: «هر دو بسیار مغرور و متکبر بودند؛ بحث های جالبی میانشان در می گرفت که سر منشا همه این بحث ها علاقه وافر به

زها حدید معمار عراقی الاصل بریتانیایی [حدید در ۳۱ اکتبر ۱۹۵۰ در عراق متولد شد] و برنده مدال ها و جوایز متعددی از جمله «مدال سلطنتی معماری» در بریتانیا و جایز پریتز کر، این معمار نامی روز پنجشنبه، ۳۱ مارس ۲۰۱۶، در بیمارستانی در میامی ایالات متحده در پی حمله قلبی درگذشت. وی بعد از مطرح شدن آثارش برای طرح توسعه فاز ۲ برج میلاد و نیز هتل فرشته پاسارگاد، بیشتر مورد توجه جامعه معماری ایران قرار گرفت؛ هرچند بانوی فقیه معماری تکمیل آثار خود را در تهران نخواهد دید، اما روح معماری او [با تمام موافق ها و مخالف هایی که دارد] برای نسلی از معماران ایرانی، منبع الهام بود. خدایش بیامرزد.

■ ■ ■

رولن بارت در «لذت متن» می گوید: «اگر بخواهم متنی را با سنجش لذت ارزیابی کنم، دیگر نمی توانم بگویم این متن خوب است و آن متن بد. دیگر نه احترامی است و نه انتقادی؛ تشویق و توبیخ همواره پیرو اهداف راهکاری، استفاده های اجتماعی و اغلب یک خیالخانه یا ایماژستان فروکاهنده اند. من نمی توانم خوب و بد بسازم؛ متنی را تصور کنید که کمال پذیر است و آماده ورود به بازی گزاره های هنجارگزار؛ متن ما بیش از اندازه چنین است و قدر کیفیت چنان نیست؛ جلالی متن (که بی آن، روی هم رفته، هیچ متنی وجود نخواهد داشت) سرخوشی خواهش آن است؛ درست آنجا که متن از خواسته در می گذرد، از غان و غون فراتر می رود؛ از این رهگذر می گوید که طغیان کند، در سدها رخنه کند، صفت هایی که درهای زبان اند، همان درها که ایدئولوژی ها و خیال پروری ها از آنجا در درون زبان سرازیر می شوند...»

از موصل تا لندن، داستان سه نسل آهنین

حاج حسین مرد متولی بود، آنگاه هم باهوش بود که بدانند چطور اموال خود را در کوران حوادث جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی حفظ کنند... اموالی که از تجارت با شامات و بعد هم ملاکی کسب کرده بود. حاج حسین حدید این کیاست را چه در انتخاب همسر و بعدها در تربیت فرزندان هم به کار بود. داماد خانواده چلبی شدن و ازدواج با دختر عموی والی، کم چیزی نبود. او باهوشترین مرد موصل در اوایل قرن بیستم بود؛ آخرش هم والی موصل شد. محمد، نور چشمی پدر بود. وقتی می خواست برای ادامه تحصیل به بیروت بفرستند لحظه ای درنگ نکرد و بعد مدرسه اقتصاد لندن. محمد حدید همه اینها را مدیون دوراندیشی پدر بود و البته سخت کوشی خودش. او اولین فارغ التحصیل عراقی مدرسه اقتصاد دانشگاه لندن بود آن هم با درجه عالی و خاطره های در ذهن اساطیری از یک جوانک باهوش عرب. اساتیدی که در زمانی کوتاه خودشان وزیر و وکیل شدند و عنان امور بریتانیا نیمه اول قرن بیستم را به دست گرفتند. تو گویی همه مهره ها درست چیده شده بودند. محمد به موصل بازگشت و درجات ترقی را در کشور تازه تاسیس به سرعت طی کرد. چنان که بسیاری تحصیل محمد حدید در لندن را ریشه اقتصاد مدرن عراق بعد از پست وزارت دارایی او می دانند. کتاب خاطرات وی که بعدها با عنوان «مذکراتی؛ الصراع من أجل الديموقراطية فی العراق» منتشر شد، گویای نکاتی ارزنده از سال های اولیه تاسیس کشور عراق است.

زها [در فارسی به اشتباه زاحا گفته می شود] وقتی به دنیا آمد که پدر نماینده مجلس و از رجال تاثیرگذار عراق بود و البته با سن ۳۴ پدر جوانی محسوب نمی شد. زها محمد حدید هم قرار بود به همان راه پدر برود و البته او نه اقتصاد که به آموختن ریاضی در دانشگاه آمریکایی



زها حدید در هر پروژه راهکار خود را تغییر می دهد، حدید با تأکید بر این تعبیر عنوان می کند که: «همیشه فشار زیادی روی من بوده تا با آنچه بقیه انجام می دهند مطابقت کنم و دیگران به خوبی چنین می کنند. من علاقه ای ندارم تا آنگونه کار کنم چون واقعا معتقدم که کارها با ایست متفاوت باشند»

که به معماری تغییر قیافه داده اند! مارک ویگلی استاد شاخص در عرصه تحقیق و تدریس معماری و پرفسور معماری در دانشگاه کمبیا در مورد معماری وی معتقد است: «این معماری بیشتر معماری شکستن، جا به جا شدن، انکسار، انحراف و تحریف است...».

معماری علی رغم سنت

محمد رضا شیرازی مدرس و پژوهشگر معماری (۱۳۸۵) در مورد معماری حدید که به نوعی از معماران ساختار زداست معتقد است که با مطالعه دیدگاه معماران دیکانستراکشن در می یابیم که آنها نیز همواره نگاه ویژه ای به سنت داشته اند و آن را در مقام دیگری مورد توجه قرار داده اند. این معماران، از آیزنمن گرفته تا حدید، اگرچه منتقدان بزرگ سنت اند، اما انتقاد آنها از سنت، بر پایه شناخت و فهم مؤلفه های آن شکل گرفته است. زها



زمان شروعی برای متفاوت نگریستن من به زندگی شد...». بعدها اما همه چیز تغییر کرد؛ نویسنده ساندی تایمز می گوید: «ولین یاری که با او آشنا شدم، یک اتاق داشت و تعداد انگشت شماری همکار که او را در تمامی مراحل کار همراهی می کردند. بسیار سخت و خشن به نظر می رسید و برقراری ارتباط با او راحت نبود؛ اما هم اکنون دفترش بسیار بزرگتر از یک مدرسه قدیمی بزرگ است که هر کلاش را ردیف های متعددی از کامپیوترها تشکیل داده اند و افرادی بسیار جوان و باهوش پشت هر دستگاه مشغول به کارند. آنها تولیدات زیبایی از فرها و مدل ها و ماکت های معماری دارند...».

اما همه چیز به راحتی عروسک بازی دوران کودکی یک دختر بچه پیش نمی رود؛ حدید مخالفان بسیاری داشت، برخی نحوه تفکر او را قبول ندارند و عده ای معماری نشانه گرای او را زیر سوال می برند و آن را به عنوان معماری نمی پذیرند. به نظر معمار سنتی بریتانیایی، روبرت آدام، کارهای او معماری نیستند، حتی آنها ساختمان هم نیستند بلکه مجسمه هایی انتزاعی هستند

پیش نمی رود؛ حدید مخالفان بسیاری داشت، برخی نحوه تفکر او را قبول ندارند و عده ای معماری نشانه گرای او را زیر سوال می برند و آن را به عنوان معماری نمی پذیرند. به نظر معمار سنتی بریتانیایی، روبرت آدام، کارهای او معماری نیستند، حتی آنها ساختمان هم نیستند بلکه مجسمه هایی انتزاعی هستند

پیش نمی رود؛ حدید مخالفان بسیاری داشت، برخی نحوه تفکر او را قبول ندارند و عده ای معماری نشانه گرای او را زیر سوال می برند و آن را به عنوان معماری نمی پذیرند. به نظر معمار سنتی بریتانیایی، روبرت آدام، کارهای او معماری نیستند، حتی آنها ساختمان هم نیستند بلکه مجسمه هایی انتزاعی هستند

پیش نمی رود؛ حدید مخالفان بسیاری داشت، برخی نحوه تفکر او را قبول ندارند و عده ای معماری نشانه گرای او را زیر سوال می برند و آن را به عنوان معماری نمی پذیرند. به نظر معمار سنتی بریتانیایی، روبرت آدام، کارهای او معماری نیستند، حتی آنها ساختمان هم نیستند بلکه مجسمه هایی انتزاعی هستند

پیش نمی رود؛ حدید مخالفان بسیاری داشت، برخی نحوه تفکر او را قبول ندارند و عده ای معماری نشانه گرای او را زیر سوال می برند و آن را به عنوان معماری نمی پذیرند. به نظر معمار سنتی بریتانیایی، روبرت آدام، کارهای او معماری نیستند، حتی آنها ساختمان هم نیستند بلکه مجسمه هایی انتزاعی هستند



رفتاری متأثر از درکی روشن و واقعی است؛ معماری وی با روح زندگی معاصر هماهنگ است. در چیستی زیبایی، گروتو چنین بیان می کند که انسان در مواجهه با یک جسم یا پدیده، پیام هایی را از آن دریافت می دارد که احساسات درونی او را تحت تاثیر قرار داده و ماهیت آن پدیده را در ذهن او شکل می دهد. وقتی زیبایی شناختی یک پیام به حد مشخصی برسد، فرد جسمی را که پیام را از آن دریافت نموده، زیبا تشخیص می دهد. این حد خاص مقداری از اطلاعات است که گیرنده را وادار به تشکیل طرح وارده نموده و از این طریق ارتقائی سطح ادراکش را به سطحی بالاتر از سطح ادراکی می رساند و به عکس نیز می توان گفت که یک چیز زیبا، ادراکی غنی را برای ما ممکن می سازد و این باعث رضایت ما می شود (گروتو، ۱۳۷۵). ساختشکنی، اندیشه های غرب را همواره زیر سیطره متافیزیک حضور می داند و دریدا به عنوان یک فیلسوف زیبایی شناس، اساس گفتار خویش را بر مفهوم «sous rapture» قرار می دهد که به معنی نوشتن یک کلمه، خط زدن آن و بعد چاپ کردن آن به همان صورت خط خورده است، بی آنکه پاک شده باشد. منظور این است که این کلمه چون نارسا بوده، خط خورده است ولی ضروری به نظر می رسد که همچنان خوانا بر جا بماند (قره باغی، ۱۳۸۰).

بانوی معماری به تهران می آید

بعضی وقت ها نفس حضور هنرمند خود دزی ارزش است؛ اگر واقع بین باشیم و قرار باشد طرحی از زها حدید در تهران ساخته شود، نوعا بنایی خواهد بود که پیش از این با طرحی از معماری با این مقیاس از شهرت ساخته نشده است. این که این موضوع تا چه حد می تواند تولید ارزش افزوده کند از حوصله این بحث خارج و در عین حال غیر قابل انکار است. حدید خود معتقد است که «جهان معماری بسیار اعجاب آور در حال تغییر است...»، روحیات او، مدیریت او و شرایط و امکاناتی که در آن قرار دارد به معنی این است که او لاچرم یک بت است. حال حضور اثری از وی در تهران یک فرصت است یا تهدید موضوعی علی الحده است که خود می تواند عرصه های برای یک پژوهش ساختاری باشد.

* پی ای دی، دانشیار دانشگاه اسکوده سوئد، عضو اتحادیه معماران سوئد

پی نوشت

۱. تاریخچه زیبایی شناسی و نقد هنر، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر مولی.
۲. بردابنت جفری (۱۳۷۵) و اسازی، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی.
۳. پروتسی، چیمزل، (۱۳۷۳) الوهیت و هایدگر، ترجمه محمد رضا جوزی، انتشارات حکمت، تهران.
۴. دریدا، ژاک (۱۳۸۱) مواضع، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز، ضمیران، محمد (۱۳۷۹) ژاک دریدا و متافیزیک حضور، تهران، انتشارات هرمس.
۵. کالینز، جف و بیل می یلن (۱۳۸۰) دریدا: قدم اول، ترجمه علی سپهران، شیراز.
۶. گروتو، یورگ (۱۳۷۵) زیباشناختی در معماری، ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۷. عطار موسوی، فهمیه، ۱۳۸۷. تعریف زیبایی در معماری دیکانستراکشن، آرونا.
۸. مارکوز، هربرت (۱۳۶۸) بعدزیباشناختی، ترجمه داریوش مهرجویی، انتشارات اسپرک، تهران.
۹. محمودی، مهناز، ۱۳۸۶. پیچیدگی فرم در معماری معاصر غرب. صنعت ساختمان داریس، تهران.
۱۰. مزینی، منوچهر (۱۳۷۶) از زمان و معماری، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات معماری و شهرسازی.
۱۱. شیرازی، محمدرضا، ۱۳۸۵. سنت شکنان سنت شناس. هفته نامه نقش نو، دوره دوم، شماره ۵، تهران.
۱۲. هوشیار یوسفی، بهرام، ۱۳۹۲/۱۱/۱۲. بانوی خجالتی که هیچ گاه دلسر دکننده نیست، آرونا.